

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۳۵

آیه ۱۲۴

آیه و ترجمه

و اذ ابتلی ابرهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین ۱۲۴

ترجمه :

۱۲۴- (به خاطر بیاورید) هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسائل گوناگونی آزمود، و او بخوبی از عهده آزمایش بر آمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم، ابراهیم عرض کرد: از دودمان من (نیز امامانی قرار بده) خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند شایسته این مقامند).

تفسیر :

«امامت» اوج افتخار ابراهیم (علیه السلام)

از این آیات به بعد سخن از ابراهیم پیامبر بزرگ خدا و قهرمان توحید و بنای خانه کعبه و اهمیت این کانون بزرگ توحید و عبادت است که ضمن هیجده آیه این مسائل را بر شمرده است.

هدف از این آیات در واقع سه چیز است:

نخست اینکه مقدمه ای باشد برای مسأله تغییر قبله که بعداً مطرح می شود تا مسلمانان بدانند این کعبه از یادگارهای ابراهیم پیامبر بت شکن است و اگر امروز مشرکان و بت پرستان آن را تبدیل به بتخانه کرده اند این یک آلودگی سطحی است و چیزی از ارزش و مقام کعبه نمی کاهد.

دیگر اینکه یهود و نصاری ادعا می کردند ما وارثان ابراهیم و آئین او هستیم و این آیات (در ارتباط با آیات فراوانی که درباره یهود گذشت) مشخص می سازد که آنها تا چه حد از آئین ابراهیم بیگانه اند.

سوم اینکه مشرکان عرب نیز پیوند ناگسستنی میان خود و ابراهیم قائل

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۳۶

بودند، باید به آنها نیز فهمانده شود که برنامه شما هیچ ارتباطی با برنامه این

پیامبر بزرگ بت شکن ندارد.

در آیه مورد بحث نخست می گوید «بخاطر بیاورید هنگامی را که خداوند ابراهیم را با وسائل گوناگون آزمود و او از عهده آزمایش به خوبی بر آمد» (و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن).

آری این آیه از مهمترین فرازهای زندگی ابراهیم (علیه السلام) یعنی آزمایشهای بزرگ او و پیروزیهایش در صحنه آزمایشها سخن می گوید، آزمایشهایی که عظمت مقام و شخصیت ابراهیم را کاملاً مشخص ساخت، و ارزش وجود او را آشکار کرد.

هنگامی که از عهده این آزمایشها بر آمد، خداوند می باید جایزه ای به او بدهد فرمود: من تو را امام و رهبر و پیشوای مردم قرار دادم (قال انی جاعلک للناس اماما).

«ابراهیم تقاضا کرد که از دودمان من نیز امامانی قرار ده» تا این رشته نبوت و امامت قطع نشود و قائم به شخص من نباشد (قال و من ذریتی). اما خداوند در پاسخ او «فرمود: پیمان من، یعنی مقام امامت، به ظالمان هرگز نخواهد رسید» (قال لا ینال عہدی الظالمین). تقاضای تو را پذیرفتم، ولی تنها آن دسته از ذریه تو که پاک و معصوم باشند شایسته این مقامند!

#### نکته ها

در اینجا چند موضوع مهم است که باید دقیقاً بررسی شود:

#### نکته ۱- منظور از «کلمات» چیست؟

از بررسی آیات قرآن و اعمال مهم و چشمگیری که ابراهیم انجام داد و مورد تحسین خداوند قرار گرفت، چنین استفاده می شود که مقصود از «کلمات» (جمله هائی

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۳۷

که خداوند ابراهیم را به آن آزمود) یک سلسله وظائف سنگین و مشکل بوده که خدا بر دوش ابراهیم گذارده بود، و این پیامبر مخلص همه آنها را به عالیتین وجه انجام داد، این دستورات عبارت بودند از: بردن فرزند به قربانگاه و آمادگی جدی برای قربانی او به فرمان خدا! بردن زن و فرزند و گذاشتن آنها در سرزمین خشک و بی آب و گیاه مکه در جایی که حتی یک نفر سکونت نداشت!

قیام در برابر بت پرستان بابل و شکستن بتها و دفاع بسیار شجاعانه در آن محاکمه تاریخی و قرار گرفتن در دل آتش، و حفظ خونسردی کامل و ایمان در تمام این مراحل!

مهاجرت از سرزمین بت پرستان و پشت پا زدن به زندگی خود و ورود در سرزمینهای دور دست برای ادای رسالت خویش، و مانند اینها. و برآستی هر یک از آنها آزمایشی بسیار سنگین و مشکل بود، اما او با قدرت و نیروی ایمان از عهده همه آنها برآمد و اثبات کرد که شایستگی مقام «امامت» را دارد.

### نکته : ۲- امام کیست؟

از آیه مورد بحث اجمالاً چنین استفاده می‌شود: مقام امامتی که به ابراهیم بعد از پیروزی در همه این آزمونها بخشیده شد. فوق مقام نبوت و رسالت بود. توضیح اینکه: امامت معانی مختلفی دارد:

۱- «امامت» به معنی ریاست و زعامت در امور دنیای مردم (آنچنان که اهل

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۳۸

تسنن می‌گویند).

۲- «امامت» به معنی ریاست در امور دین و دنیا (آنچنان که بعضی دیگر از آنها تفسیر کرده‌اند).

۳- امامت عبارت است از تحقق بخشیدن برنامه‌های دینی اعم از حکومت به معنی وسیع کلمه، و اجرای حدود و احکام خدا و اجرای عدالت اجتماعی و همچنین تربیت و پرورش نفوس در «ظاهر» و «باطن» و این مقام از مقام رسالت و نبوت بالاتر است، زیرا «نبوت» و «رسالت» تنها اخبار از سوی خدا و ابلاغ فرمان او و بشارت و انداز است اما در مورد «امامت» همه اینها وجود دارد به اضافه «اجرای احکام» و «تربیت نفوس از نظر ظاهر و باطن» (البته روشن است که بسیاری از پیامبران دارای مقام امامت نیز بوده‌اند).

در حقیقت مقام امامت، مقام تحقق بخشیدن به اهداف مذهب و هدایت به معنی «ایصال به مطلوب» است، نه فقط «ارائه طریق».

علاوه بر این «هدایت تکوینی» را نیز شامل می‌شود یعنی تأثیر باطنی و نفوذ روحانی امام و تابش شعاع وجودش در قلب انسانهای آماده و هدایت معنوی آنها (دقت کنید).

امام از این نظر درست به خورشید می ماند که با اشعه زندگی بخش خود گیاهان را پرورش می دهد، و به موجودات زنده جان و حیات می بخشد نقش امام در حیات معنوی نیز همین نقش است.

در قرآن مجید می خوانیم «هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما» «خدا و فرشتگان او بر شما رحمت و درود می فرستند تا شما را از تاریکیها به نور رهنمون گردند و او نسبت به مؤمنان مهربان است» (احزاب - ۴۳).

از این آیه بخوبی استفاده می شود که رحمتهای خاص خداوند و امدادهای

#### تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۳۹

غیبی فرشتگان می تواند مؤمنان را از ظلمتها به نور رهبری کند. این موضوع درباره امام نیز صادق است، و نیروی باطنی امام و پیامبران بزرگ که مقام امامت را نیز داشته اند و جانشینان آنها برای تربیت افراد مستعد و آماده و خارج ساختن آنان از ظلمت جهل و گمراهی به سوی نور هدایت تاءثیر عمیق داشته است.

شک نیست که مراد از امامت در آیه مورد بحث معنی سوم است، زیرا از آیات متعدد قرآن استفاده می شود که در مفهوم امامت مفهوم هدایت افتاده، چنانکه در آیه ۲۴ سوره سجده می خوانیم: و جعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا لما صبروا و کانوا بایاتنا یوقنون: «و از آنها امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت کنند، چون استقامت به خرج دادند و به آیات ما ایمان داشتند».

این هدایت به معنی ارائه طریق نیست، زیرا ابراهیم پیش از این، مقام نبوت و رسالت و هدایت به معنی ارائه طریق را داشته است.

حاصل اینکه قرائن روشن گواهی می دهد که مقام امامت که پس از امتحانات مشکل و پیمودن مراحل یقین و شجاعت و استقامت به ابراهیم بخشیده شد غیر از مقام هدایت به معنی بشارت و ابلاغ و انذار بوده است.

پس هدایتی که در مفهوم امامت افتاده چیزی جز «ایصال به مطلوب» و «تحقق بخشیدن روح مذهب» و پیاده کردن برنامه های تربیتی در نفوس آماده نیست.

این حقیقت اجمالا در حدیث پر معنی و جالبی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده:

ان الله تبارک و تعالی اتخذ ابراهیم عبدا قبل ان یتخذہ نبیا، و ان الله اتخذہ نبیا

قبل ان يتخذہ رسولا، و ان الله اتخذہ رسولا قبل ان يتخذہ خلیلا، و ان الله اتخذہ خلیلا قبل ان يجعلہ اماما فلما جمع له الاشیاء قال: انی جاعلک للناس اماما قال: فمن عظمہا فی عین ابراهیم قال: و من ذریتی قال لا ینال عہدی الظالمین قال: لا یكون السفیہ امام التقی:

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحہ: ۴۴۰

«خداوند ابراهیم را بنده خاص خود قرار داد پیش از آنکه پیامبرش قرار دهد، و خداوند او را به عنوان نبی انتخاب کرد پیش از آنکه او را رسول خود سازد، و او را رسول خودانتخاب کرد پیش از آنکه او را به عنوان خلیل خود برگزیند، و او را خلیل خود قرار داد پیش از آنکه او را امام قرار دهد، هنگامی که همه این مقامات را جمع کرد فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم، این مقام به قدری در نظر ابراهیم بزرگ جلوه کرد که عرض نمود: خداوندا از دودمان من نیز امامانی انتخاب کن، فرمود پیمان من به ستمکاران آنها نمی‌رسد... یعنی شخص سفیه هرگز امام افراد با تقوا نخواهد شد».

### نکته : ۳- فرق نبوت و امامت و رسالت

بطوری که از اشارات موجود در آیات و تعبیرات مختلفی که در احادیث وارد شده بر می‌آید کسانی که از طرف خدا مأموریت داشتند دارای مقامات مختلفی بودند:

۱- مقام نبوت - یعنی دریافت وحی از خداوند، بنابراین نبی کسی است که وحی بر او نازل می‌شود و آنچه را بوسیله وحی دریافت می‌دارد چنانکه مردم از او بخواهند در اختیار آنها می‌گذارد.

۲- مقام رسالت - یعنی مقام ابلاغ وحی و تبلیغ و نشر احکام خداوند و تربیت نفوس از طریق تعلیم و آگاهی بخشیدن، بنابراین رسول کسی است که موظف است در حوزه مأموریت خود به تلاش و کوشش برخیزد و از هر وسیله‌ای برای دعوت مردم به سوی خدا و ابلاغ فرمان او استفاده کند، و برای یک انقلاب فرهنگی و فکری و عقیدتی تلاش نماید.

۳- مقام امامت - یعنی رهبری و پیشوائی خلق، در واقع امام کسی است که

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحہ: ۴۴۱

با تشکیل یک حکومت الهی و بدست آوردن قدرتهای لازم، سعی می‌کند احکام خدا را عملاً اجرا و پیاده نماید و اگر هم نتواند رسماً تشکیل حکومت دهد تا

آنجا که در توان دارد در اجرای احکام می‌کوشد. به عبارت دیگر وظیفه امام اجرای دستورات الهی است در حالی که وظیفه رسول ابلاغ این دستورات می‌باشد، و باز به تعبیر دیگر، رسول ارائه طریق می‌کند ولی امام «ایصال به مطلوب» می‌نماید (علاوه بر وظائف سنگین دیگری که قبلاً اشاره شد).

ناگفته پیداست که بسیاری از پیامبران مانند پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هر سه مقام را داشتند هم دریافت وحی می‌کردند، هم تبلیغ فرمانهای الهی، و هم در تشکیل حکومت و اجرای احکام تلاش می‌کردند و هم از طریق باطنی به تربیت نفوس می‌پرداختند.

کوتاه سخن اینکه: امامت همان مقام رهبری همه جانبه مادی و معنوی جسمی و روحانی و ظاهری و باطنی است، امام رئیس حکومت و پیشوای اجتماع و رهبر مذهبی و مربی اخلاق و رهبر باطنی و درونی است. امام از یک سو با نیروی مرموز معنوی خود افراد شایسته را در مسیر تکامل باطنی رهبری می‌کند.

با قدرت علمی خود افراد نادان را تعلیم می‌دهد. و با نیروی حکومت خویش یا قدرتهای اجرایی دیگر، اصول عدالت را اجرا می‌نماید.

#### نکته : ۴- امامت یا آخرین سیر تکاملی ابراهیم

از آنچه در بیان حقیقت امامت گفتیم به خوبی استفاده می‌شود که ممکن است کسی مقام پیامبری و تبلیغ و رسالت را داشته باشد و امام مقام امامت در او نباشد، این

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۴۲

مقام، نیازمند به شایستگی فراوان در جمیع جهات است و همان مقامی است که ابراهیم پس از آنهمه امتحانات و شایستگیها پیدا کرد، و این آخرین حلقه سیر تکاملی ابراهیم بود.

آنها که گمان می‌کنند منظور از امامت تنها «فرد شایسته و نمونه بودن» است گویا به این حقیقت توجه ندارند که چنین مطلبی از آغاز نبوت در ابراهیم بوده.

و آنها که گمان می‌کنند منظور از امامت سرمشق و الگو بودن برای مردم بوده باید به آنها گفت این صفت برای ابراهیم و تمامی انبیاء و رسل از آغاز

دعوت نبوت وجود دارد و به همین دلیل پیامبر باید معصوم باشد چرا که اعمالش الگو است.

بنابراین مقام امامت، مقامی است بالاتر از اینها و حتی برتر از نبوت و رسالت و این همان مقامی است که ابراهیم پس از امتحان شایستگی از طرف خداوند دریافت داشت.

#### نکته : ۵- ظالم کیست؟

منظور از «ظلم» در جمله «(لا ینال عہدی الظالمین)» تنها ستم به دیگران کردن نیست، بلکه ظلم (در برابر عدل) در اینجا به معنی وسیع کلمه به کار رفته و نقطه مقابل عدالت به معنی گذاردن هر چیز به جای خویش است.

بنابراین ظلم آن است که شخص یا کار یا چیزی را در موقعیتی که شایسته آن نیست قرار دهند.

از آنجا که مقام امامت و رهبری ظاهری و باطنی خلق، مقام فوق العاده پر مسئولیت و با عظمتی است، یک لحظه گناه و نافرمانی و سوء پیشینه سبب می گردد که لیاقت این مقام سلب گردد.

لذا در احادیث می خوانیم که امامان اهل بیت (علیهم السلام) برای اثبات انحصار خلافت بلا فصل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) به همین آیه مورد بحث استدلال می کردند، اشاره به اینکه دیگران در دوران جاهلیت بت پرست بودند، تنها کسی که یک لحظه در مقابل بت سجده نکرد علی (علیه السلام) بود، چه ظلمی از این بالاتر که انسان بت پرستی کند، مگر لقمان به فرزندش نگفت: یا بنی لا تشکر بالله ان الشرک لظلم عظیم: «ای فرزندم شریک برای خدا قرار مده که شرک ظلم عظیمی است» (لقمان ۱۳).

به عنوان نمونه «(هشام بن سالم)» از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: قد کان ابراهیم نبیا و لیس بامام، حتی قال الله انی جاعلک للناس اماما، قال و من ذریتی فقال الله لا ینال عہدی الظالمین، من عبد صنما او وثنا لا یکون اماما:

«(ابراہیم پیامبر بود پیش از آنکه امام باشد، تا اینکه خداوند فرمود من تو را امام قرار می دهم، او عرض کرد از دودمان من نیز امامانی قرار ده، فرمود پیمان من به ستمکاران نمی رسد، آنان که بتی را پرستش کردند امام نخواهند بود».



در حدیث دیگری عبدالله بن مسعود از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می کند که: خداوند به ابراهیم فرمود: لا اعطیک عهدا للظالم من ذریته، قال یا رب و من الظالم من ولدی الذی لا ینال عهدک؟ قال من سجد لصنم من دونی لا اجعله اماما ابدا، و لا یصلح ان یکون اماما! «من پیمان امامت را به ستمکاران از دودمان تو نمی بخشم ابراهیم عرض کرد: ستمکارانی که این پیمان به آنها نمی رسد کیانند؟ خداوند فرمود: کسی که برای بتی سجده کرده هرگز او را امام نخواهم کرد و شایسته نیست که امام باشد».

#### نکته : ۶- امام از سوی خدا تعیین می شود

از آیه مورد بحث، ضمنا استفاده می شود که امام (رهبر معصوم همه جانبه مردم) باید از طرف خدا تعیین گردد، زیرا  
اولا- امامت یک نوع عهد و پیمان الهی است و بدیهی است چنین کسی را باید خداوند تعیین کند که او طرف پیمان است.

ثانیا- افرادی که رنگ ستم به خود گرفته اند و در زندگی آنها نقطه تاریکی از ظلم - اعم از ظلم به خویشان یا ظلم به دیگران - و حتی یک لحظه بت پرستی وجود داشته باشد، قابلیت امامت را ندارند و به اصطلاح امام باید در تمام عمر خود معصوم باشد

آیا کسی جز خدا می تواند از وجود این صفت آگاه گردد؟

و اگر با این معیار بخواهیم جانشین پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را تعیین کنیم کسی جز امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نمی تواند باشد.

جالب اینکه نویسنده «المنار» از قول ابی حنیفه نقل می کند که او معتقد بود، خلافت منحصر شایسته علویان است و به همین دلیل شورش بر ضد حکومت وقت (منصور عباسی) را مجاز می دانست و به همین دلیل او حاضر نشد منصب قضاوت را در حکومت خلفای بنی عباس بپذیرد.

نویسنده المنار سپس اضافه می کند که ائمه اربعه اهل سنت همه با حکومت های زمان خود مخالف بودند و آنها را لائق زعامت مسلمین نمی دانستند، چرا که افرادی ظالم و ستمگر بودند.

ولی عجیب است که در عصر ما بسیاری از علمای اهل تسنن، حکومت های ظالم و جبار و خودکامه را که ارتباطشان با دشمنان اسلام، مسلم و قطعی است و ظلم و فسادشان بر کسی پوشیده نیست، تاءیید و تقویت می کنند - سهل است - آنها را



«اولوالامر» و «واجب الاطاعه» نیز می‌شمرند.

### نکته : ۷- پاسخ به دو سؤال

۱- از آنچه در تفسیر معنی امامت گفتیم، ممکن است این سؤال را برانگیزد که اگر کار امام ایصال به مطلوب و اجرا کردن برنامه‌های الهی است، این معنی در مورد بسیاری از پیامبران حتی خود پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه طاهرین در مقیاس عمومی تحقق نیافته بلکه همیشه افراد بسیار آلوده و گمراهی در مقابل آنها وجود داشتند.

در پاسخ می‌گوئیم مفهوم این سخن این نیست که امام مردم را اجبارا به حق می‌رساند بلکه با حفظ اصل اختیار و داشتن آمادگی و شایستگی می‌توانند از نفوذ ظاهری و باطنی امام، هدایت یابند.

درست همانگونه که می‌گوئیم خورشید برای تربیت موجودات زنده آفریده شده، یا اینکه قرآن می‌گوید کار باران زنده کردن زمینهای مرده است مسلما این تاءثیر جنبه عمومی دارد اما در موجوداتی که آماده پذیرش این آثار و مهبیای پرورش باشند.

۲- سؤال دیگر اینکه لازمه تفسیر فوق این است که هر امام باید نخست نبی و رسول باشد و بعد به مقام امامت برسد، در صورتی که جانشینان معصوم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نبودند.

در پاسخ می‌گوئیم: لزومی ندارد که حتما شخص امام قبلا به مقام نبوت و رسالت برسد بلکه اگر کسی قبل از او باشد که مقام نبوت و رسالت و امامت در او جمع گردد (مانند پیامبر اسلام) جانشین او می‌تواند برنامه امامت او را تداوم بخشد و این در صورتی است که نیاز به رسالت جدیدی نباشد، مانند پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که خاتم پیغمبران است.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۴۶

به تعبیر دیگر اگر مرحله گرفتن وحی الهی و ابلاغ تمام احکام، انجام یافته و تنها مرحله اجرا باقی مانده است جانشین پیامبر می‌تواند خط اجرایی پیامبر را ادامه دهد، و نیازی به این نیست که خود او نبی یا رسول باشد.

### نکته : ۸ - شخصیت ممتاز ابراهیم

نام ابراهیم در ۶۹ مورد از قرآن مجید ذکر شده، و در ۲۵ سوره سخن از وی به میان آمده است، در آیات قرآن از این پیامبر بزرگ مدح و ستایش فراوان شده، و صفات ارزنده او یادآوری گردیده است.

او از هر نظر قدوه و اسوه بود، و نمونه‌ای از یک انسان کامل. مقام معرفت او نسبت به خدا منطق گویای او در برابر بت پرستان، مبارزات سرسختانه و خستگی ناپذیرش در مقابل جباران، ایثار و گذشتش در برابر فرمان پروردگار، استقامت بی نظیرش در برابر طوفان حوادث و آزمایشهای سخت او، هر یک داستان مفصلی دارد و هر کدام سرمشقی است برای مسلمانان و رهروان راه «الله».

به گفته قرآن او از نیکان صالحان قانتان صدیقان بردباران و وفا کنندگان به عهد بود، شجاعتی بی نظیر و سخاوتی فوق العاده داشت. به خواست خدا در تفسیر سوره ابراهیم (مخصوصا بخش آخر سوره) بحث مشروحی در این زمینه مطالعه خواهید کرد (به جلد دهم تفسیر نمونه صفحه ۳۹۷ به بعد مراجعه کنید).

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۴۷

آیه ۱۲۵

آیه و ترجمه

و اذ جعلنا البيت مثابة للناس و امنا و اتخذوا من مقام ابراهيم مصلی و عهدنا الی ابراهيم و اسمعيل ان طهرا بيتی للطائفین و العاکفین و الركع السجود ۱۲۵  
ترجمه :

۱۲۵- (و بخاطر بیاورید) هنگامی را که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم (و برای تجدید همین خاطره) از مقام ابراهیم نماز گاهی برای خودانتخاب کنید، و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید.

تفسیر :

عظمت خانه خدا

بعد از اشاره به مقام والای ابراهیم در آیه گذشته، به بیان عظمت خانه کعبه که به دست ابراهیم ساخته و آماده شد پرداخته، می فرماید:  
«به خاطر بیاورید هنگامی را که خانه کعبه را «مثابة» (محل بازگشت و توجه) مردم قرار دادیم و مرکز امن و امان» (و اذ جعلنا البيت مثابة للناس و امنا).

«مثابة» در اصل از ماده «ثوب» به معنی بازگشت چیزی به حالت

نخستین است، و از آنجا که خانه کعبه مرکزی بوده است برای موحدان که همه سال به سوی آن رومی آوردند، نه تنها از نظر جسمانی که از نظر روحانی نیز بازگشت به توحید و فطرت نخستین می کردند، از این رو به عنوان مثابه معرفی شده، و از آنجا که خانه انسان که مرکز بازگشت همیشگی او می باشد محل آرامش و آسایش است، در کلمه «مثابه» یکنوع آرامش و آسایش خاطر، نیز افتاده است

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۴۸

و این معنی با کلمه «امنا» که پشت سر آن ذکر شده تاءکید می شود، کلمه «للسناس» نشان می دهد که این مرکز امن و امان، پناهگاهی است عمومی برای همه جهانیان و انسانها و توده های مردم.

و این در حقیقت اجابت یکی از درخواستهایی است که ابراهیم از خداوند کرد که بعدا به آن اشاره می شود.

سپس اضافه می کند «از مقام ابراهیم نماز گاهی برای خود انتخاب کنید» (واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی).

در اینکه منظور از مقام ابراهیم چیست؟ در میان مفسران گفتگو است، بعضی گفته اند: تمام «حج» مقام ابراهیم است، بعضی به معنی «عرفه» و «مشعر الحرام» و «جمرات سه گانه» گرفته اند، و بعضی گفته اند «تمام حرم مکه»، مقام محسوب می شود.

ولی ظاهر آیه همانگونه که در روایات اسلامی وارد شده و بسیاری از مفسران نیز گفته اند اشاره به همان مقام معروف ابراهیم است که محلی است در نزدیکی خانه کعبه، و حجاج بعد از انجام طواف به نزدیک آن می روند و نماز طواف بجا می آورند بنابراین منظور از مصلی نیز محل نماز است.

سپس اشاره به پیمانی که از ابراهیم و فرزندش اسماعیل درباره طهارت خانه کعبه گرفته است می فرماید و می گوید: ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان (نماز گزاران) پاکیزه دارید» (و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیتی للطائفین و العاکفین و الركع السجود).

منظور از طهارت و پاکیزگی در اینجا چیست؟ بعضی گفته اند: طهارت از لوث وجود بتها.

بعضی گفته اند: از آلودگیهای ظاهری و مخصوصا از خون و محتویات شکم

حیواناتی که قربانی می کردند، زیرا بعضی از ناآگاهان چنین اعمالی را انجام می دادند.

و بعضی گفته اند طهارت در اینجا به معنی خلوص نیت به هنگام بنای این خانه توحید است.

ولی هیچ دلیلی ندارد که ما مفهوم طهارت را در اینجا محدود کنیم، بلکه منظور پاک ساختن ظاهری و معنوی این خانه توحید از هر گونه آلودگی است.

و لذا در بعضی از روایات می خوانیم که این آیه تعبیر به پاکسازی از مشرکان شده و در بعضی دیگر به شستشوی بدن و پاکیزگی از آلودگیها.

**نکته ها:**

**نکته : ۱- اثرات اجتماعی و تربیتی این پناهگاه امن**

طبق آیه فوق، خانه خدا (خانه کعبه) از طرف پروردگار به عنوان یک پناهگاه و کانون امن و امان اعلام شده و می دانیم در اسلام مقررات شدیدی برای اجتناب از هر گونه نزاع و کشمکش و جنگ و خونریزی در این سرزمین مقدس وضع شده است، بطوری که نه تنها افراد انسان در هر قشر و گروه و در هرگونه شرائط باید در آنجا در امنیت باشند بلکه حیوانات و پرندگان نیز در آنجا در امن و امان بسر می برند و هیچکس حق ندارد مزاحم آنها شود. در جهانی که همیشه نزاع و کشمکش در آن وجود دارد، بودن چنین مرکزی در آن می تواند اثر عمیق مخصوصی برای حل مشکلات مردم از خود نشان دهد، زیرا امن بودن این منطقه سبب که مردم با تمام اختلافاتی که دارند در جوار آن در کنار هم بنشینند، و به مذاکره بپردازند، و به این ترتیب یکی از مهمترین مشکلات که معمولا برای فتح باب مذاکرات برای رفع خصومتها و نزاعها وجود دارد حل می شود.

چون بسیار می شود که طرفین نزاع، یا دولتهای متخاصم جهان مایلند رفع خصومت کنند و برای این منظور به مذاکره بنشینند، اما مکانی که برای هر دو طرف مقدس و محترم و به عنوان مرکز امن و امان شناخته شده باشد پیدا نمی کنند ولی در اسلام این پیش بینی شده است و مکه به عنوان چنین

مرکزی اعلام گردید.

هم اکنون تمام مسلمانان جهان که متأسفانه گرفتار کشمکشها و اختلافات مرگباری هستند می‌توانند با استفاده از قداست و امنیت این سرزمین باب مذاکرات را بگشایند و از معنویت این مکان مقدس که نورانیت و روحانیت خاصی در دلها ایجاد می‌کند به رفع اختلافات خود بپردازند.

## نکته : ۲- چرا خانه خدا

در آیه فوق از خانه کعبه به عنوان بیتی (خانه من) تعبیر شده در حالی که روشن است خداوند نه جسم است و نه نیاز به خانه دارد، منظور از این اضافه همان «(اضافه تشریفی)» است به این معنی که برای بیان شرافت و عظمت چیزی آن را به خدا نسبت می‌دهند، ماه رمضان را «شهر الله» و خانه کعبه را «بیت الله» می‌گویند.

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۵۱

## آیه ۱۲۶

### آیه و ترجمه

و اذ قال ابرهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق اهله من الثمرات من آمن منهم بالله و الیوم الآخر قال و من کفر فامتعه قليلاً ثم اضطره الی عذاب النار و بس المصیر ۱۲۶

ترجمه :

۱۲۶- (و بیاد آورید) هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده، و اهل آن را آنها که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده‌اند - از ثمرات (گوناگون) روزی ده (ما این دعای ابراهیم را به اجابت رساندیم و مؤمنان را از انواع برکات بهره‌مند ساختیم) اما به آنها که کافر شدند بهره کمی خواهیم داد، سپس آنها را به عذاب آتش می‌کشانیم و چه بد سرانجامی دارند.

تفسیر :

### خواسته‌های ابراهیم از پیشگاه پروردگار

در این آیه ابراهیم دو درخواست مهم از پروردگار برای ساکنان این سرزمین مقدس می‌کند که به یکی از آنها در آیه قبل نیز اشاره شد.

قرآن می‌گوید: «به خاطر بیاورید هنگامی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده»، (و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً) و همانگونه که در آیه قبل خواندیم این دعای ابراهیم به اجابت رسید خدا این

سرزمین مقدس را یک کانون امن و امان قرار داد، و امنیتی از نظر ظاهر و باطن به آن بخشید.

دومین تقاضایش این است که: «اهل این سرزمین را آنها که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌اند - از ثمرات گوناگون روزی ببخش» (و ارزق اهلہ من الثمرات من آمن منهم باللہ و الیوم الآخر).

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۵۲

جالب اینکه ابراهیم نخست تقاضای «امنیت» و سپس درخواست «مواهب اقتصادی» می‌کند، و این خود اشاره‌ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکمفرما نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست! در اینکه منظور از ثمرات چیست؟ مفسران گفتگوها دارند، ولی ظاهراً ثمرات یک معنی وسیع دارد که هر گونه نعمت مادی اعم از میوه‌ها و مواد دیگر غذایی، و نعمتهای معنوی را شامل می‌شود، در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم که فرمود: هی ثمرات القلوب: «منظور میوه دلها است»! اشاره به اینکه خداوند محبت و علاقه مردم را به مردم این سرزمین جلب می‌کند.

این نکته نیز قابل توجه است که ابراهیم این تقاضا را تنها برای مؤمنان به توحید و روز جزا می‌کند، شاید به خاطر اینکه از جمله لایزال عہدی الظالمین در آیات گذشته به این حقیقت پی برده بود که گروهی از نسلهای آینده او، راه شرک و ظلم و ستم می‌پویند، و او در اینجا ادب را رعایت کرد و آنها را از دعای خود استثنا نمود.

به هر حال خداوند در پاسخ این تقاضای ابراهیم چنین «فرمود: اما آنها که راه کفر را پوئیده‌اند بهره کمی (از این ثمرات) به آنها خواهم داد» (و به طور کامل محروم نخواهم کرد!) (قال و من کفر فامتعه قليلا).

اما در سرای آخرت «آنها را به عذاب آتش می‌کشانم و چه بد سرانجامی دارند» (ثم اضطره الی عذاب النار و بئس المصیر).

این در واقع صفت «رحمانیت» همان رحمت عامه پروردگار است که از خوان نعمت بی‌دریغش همه بهره می‌گیرند، و از خزانه غیبش خوبان و بدان وظیفه خور باشند، ولی سرای آخرت که سرای رحمت خاص او است، رحمت و نجاتی برای آنها نیست.

---

## آیه ۱۲۷ - ۱۲۹

### آیه و ترجمه

و اذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت و اسمعيل ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم ۱۲۷

ربنا و اجعلنا مسلمين لك و من ذريتنا امة مسلمة لك و ارنا مناسكنا و تب علينا انك انت التواب الرحيم ۱۲۸

ربنا و ابعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم  
ءايتاك و يعلمهم الكتب و الحكمة و يزكيهم انك انت العزيز الحكيم ۱۲۹  
ترجمه :

۱۲۷- (و نیز بیاد آورید) هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند (و می‌گفتند) پروردگارا! از ما بپذیر تو شنوا و دانائی.  
۱۲۸- پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشد به وجود آور، و طرز پرستش خودت را به ما نشان ده، و توبه ما را بپذیر، که تو تواب و رحیمی.  
۱۲۹- پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان مبعوث کن، تا آیات تو را بر آنها بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند، زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کارقادری).

### تفسیر :

#### ابراهیم خانه کعبه را بنا می‌کند

از آیات مختلف قرآن و احادیث و تواریخ اسلامی به خوبی استفاده می‌شود که خانه کعبه پیش از ابراهیم، حتی از زمان آدم بر پا شده بود، در آیه ۳۷ سوره ابراهیم از قول این پیامبر بزرگ می‌خوانیم: ربنا انی اسكنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم: «پروردگارا! بعضی از فرزندانم را در این سرزمین خشک و سوزان در کنار خانه تو سکونت دادم».  
این آیه گواهی می‌دهد موقعی که ابراهیم با فرزند شیرخوارش اسماعیل و همسرش به سرزمین مکه آمدند اثری از خانه کعبه وجود داشته است.  
در آیه ۹۶ سوره آل عمران نیز می‌خوانیم: ان اول بیت وضع للناس للذی ببكة



مبارکاً: «نخستین خانه‌ای که به منظور پرستش خداوند برای مردم ساخته شد در سرزمین مکه بود» مسلم است که پرستش خداوند و ساختن مرکز عبادت از زمان ابراهیم آغاز نگردیده بلکه قبلاً و حتی از زمان آدم (علیه السلام) بوده است.

اتفاقاً تعبیری که در نخستین آیه مورد بحث به چشم می‌خورد نیز همین معنی را می‌رساند آنجا که می‌گوید: به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند، و می‌گفتند: پروردگارا! از ما بپذیر تو شنوا و دانائی (و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم).

این تعبیر می‌رساند که شالوده‌های خانه کعبه وجود داشته و ابراهیم و اسماعیل پایه‌ها را بالا بردند.

در خطبه معروف قاصعه از نهج البلاغه نیز می‌خوانیم: الا ترون ان الله سبحانه اختبر الاولین من لدن آدم صلوات الله علیه الى الاخرین من هذا العالم باحجار... فجعلها بیتة الحرام...، ثم امر آدم و ولده یشنوا اعطافهم نحوه ...

«آیا نمی‌بینید که خداوند مردم جهان را از زمان آدم تا به امروز به وسیله قطعات سنگی ... امتحان کرده است، و آن را خانه محترم خود قرار داده، سپس به آدم و فرزندان‌ش دستور داد که به گرد آن طواف کنند».

کوتاه سخن اینکه: آیات قرآن و روایات این تاریخچه معروف را تأیید می‌کند که خانه کعبه نخست به دست آدم ساخته شد، سپس در طوفان نوح فرو ریخت، و بعد به دست ابراهیم و فرزندش اسماعیل تجدید بنا گردید در دو آیه اخیر از آیات مورد بحث، ابراهیم و فرزندش اسماعیل، پنج تقاضای مهم از خداوند جهان می‌کنند، این تقاضاها که به هنگام اشتغال به تجدید بنای خانه کعبه صورت گرفت به قدری حساب شده و جامع تمام نیازمندیهای زندگی مادی و معنوی است که انسان را به عظمت روح این دو پیامبر بزرگ خدا کاملاً آشنا می‌سازد:

نخست عرضه می‌دارند: «پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خودت قرار ده» (ربنا و اجعلنا مسلمین لک).

بعد تقاضا می‌کنند «از دودمان ما نیز امتی مسلمان و تسلیم در برابر فرمانت قرار ده» (و من ذریتنا امة مسلمة لک).

سپس تقاضا می‌کنند طرز پرستش و عبادت خودت را به ما نشان ده، و ما را از آن آگاه ساز» (و ارنا مناسکنا).

تا بتوانیم آنگونه که شایسته مقام تو است عبادت کنیم.  
بعد از خدا تقاضای توبه کرده، می‌گویند: «توبه ما را بپذیر و رحمت را  
متوجه

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۵۶

ما گردان که تو ثواب و رحیمی» (و تب علینا انک انت التواب الرحیم)  
پنجمین تقاضای آنها این است که: «پروردگارا! در میان آنها پیامبری از  
خودشان مبعوث کن» (ربنا وابعث فیهم رسولا منهم).  
«تا آیات تو را بر آنها بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و آنها را پاکیزه  
کند» (یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمة و یزکیهم).  
«چرا که تو توانا هستی و بر تمام این کارها قدرت داری» (انک انت العزیز  
الحکیم).

نکته‌ها

نکته : ۱- هدف بعثت پیامبران

در آیات فوق پس از آنکه ابراهیم و اسماعیل تقاضای ظهور پیامبر اسلام را  
می‌کنند سه هدف برای بعثت او بیان می‌دارند: نخست تلاوت آیات خدا بر  
مردم، این جمله اشاره به بیدار ساختن اندیشه‌ها در پرتو آیات گیرا و جذاب و  
کوبنده‌ای است که از مجرای وحی بر قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)  
نازل می‌شود و او به وسیله آن، ارواح خفته را بیدار می‌کند.  
«یتلو» از ماده «تلاوت» در لغت به معنی پی در پی آوردن چیزی است و  
هنگامی که عباراتی را پشت سر هم و روی نظام صحیحی بخوانند، عرب از آن  
تعبیر به تلاوت می‌کند، بنابراین تلاوت منظم و پی در پی مقدمه‌ای است برای  
بیداری و ایجاد آمادگی، برای تعلیم و تربیت.  
سپس تعلیم کتاب و حکمت را هدف دوم می‌شمرد، چرا که تا آگاهی حاصل  
نشود، تربیت که مرحله سوم است صورت نمی‌گیرد  
تفاوت «کتاب» و «حکمت» ممکن است در این جهت باشد که کتاب  
اشاره به کتب آسمانی است، و اما حکمت، علوم و دانشها و اسرار و علل و نتائج  
احکام

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۵۷

است که از طرف پیامبر، تعلیم می‌شود.

که مساءله «تزکیه» است بیان می‌دارد.  
«تزکیه» در لغت هم به معنی نمو دادن، و هم به معنی پاکسازی آمده است.

و به این ترتیب تکامل وجود انسان در جنبه‌های علمی و عملی به عنوان هدف نهائی بعثت پیامبر، معرفی شده است.  
این نکته مخصوصاً قابل توجه است که علوم بشر محدود است، و آمیخته با هزاران نقطه ابهام و خطاهای فراوان، و از این گذشته نسبت به آنچه را هم می‌داند گاهی نمی‌تواند دقیقاً امیدوار باشد چرا که خطاهای خود و دیگران را دیده است.

اینجا است که باید پیامبران، با علوم راستین و خالی از هر گونه خطا که از مبدء وحی گرفته‌اند به میان مردم بیایند، خطاهایشان را بر طرف سازند، آنجا را که نمی‌دانند به آنها بیاموزند و آن را که می‌دانند به آنها اطمینان خاطر دهند.

موضوع دیگری که در این رابطه لازم به یادآوری است این است که نیمی از شخصیت ما را «عقل و خرد» تشکیل می‌دهد و نیمی را «غرائز و امیال»،  
به همین دلیل ما به همان اندازه که نیاز به تعلیم داریم، نیاز به تربیت هم داریم، هم خرد ما باید تکامل یابد و هم غرائز درونی ما به سوی هدف صحیحی رهبری شوند.

لذا پیامبران هم معلمند، هم مربی، هم آموزش دهنده‌اند و هم پرورش دهنده.

### نکته : ۲- تعلیم مقدم است یا تربیت؟

جالب اینکه در چهار مورد از قرآن مجید که مساءله تعلیم و تربیت به عنوان هدف انبیاء با هم ذکر شده است در سه مورد تربیت بر تعلیم مقدم شمرده شده (سوره بقره آیه ۱۵۱- آل عمران ۱۶۴- جمعه ۲) و تنها در یک مورد تعلیم بر تربیت مقدم شده است (آیه

---

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۴۵۸

مورد بحث) با اینکه می‌دانیم معمولاً تا تعلیمی نباشد تربیتی صورت نمی‌گیرد.

بنابراین آنجا که تعلیم بر تربیت مقدم شده اشاره به وضع طبیعی آن است، و در موارد بیشتری که تربیت مقدم ذکر شده گویا اشاره به مساءله هدف بودن آن است، چرا که هدف اصلی تربیت است و بقیه همه مقدمه آن است.

### نکته : ۳- پیامبری از میان خود آنها

این تعبیر که با کلمه «منهم» در آیات فوق آمده اشاره به این است که رهبران و مربیان انسان باید از نوع خود او باشند، با همان صفات و غرائز بشری تا بتوانند از نظر جنبه‌های عملی، سرمشقهای شایسته‌ای باشند، بدیهی است اگر از غیر جنس بشر باشند نه آنها می‌توانند دردها نیازها، مشکلات، و گرفتاریهای مختلف انسانها را درک کنند و نه انسانهایی‌توانند از آنها سرمشق بگیرند.

بعد ←

↑ فرست

→ قبل